

بازبینی فقهی، حقوقی و اخلاقی حقوق مالکیت فکری

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

توسعه مبحث مالکیت به فکر و اندیشه و وضع قواعد حقوقی برای آن تحت عنوان حقوق مالکیت فکری موافق موازین دینی، فلسفی و اخلاقی نیست. بررسی حقوق مالکیت فکری از ابعاد مختلف حاکی از آن است که انحصار حقوق پدیدآورندگان محصولات فکری مغایر با اخلاق است و نمی‌توان به مستندی در آیات قرآن و احادیث و اخبار رجوع نمود که به سبب آن از این حقوق حمایت کرد. در این مقاله با طرح موضوعاتی نظیر منع بخل نسبت به جامعه و منع ربای اجتماعی و همچنین منع عدم افشای علم، با استناد به قرآن کریم و متون فقهی و اخلاقی به این نتیجه می‌رسیم که وضع حقوق مالکیت فکری از لحاظ اخلاقی مورد پسند نمی‌باشد. علیرغم این همچنان نتیجه‌گیری می‌شود که افراد مجاز به تحریف آثار دیگران نیستند. از بُعد فقهی، حقوق مالکیت فکری توسعه زیادی در فقه ندارد و در باب مشروعیت آن اجماع نیست. بررسی حقوق مالکیت فکری در رابطه با موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی مؤید این است که ترتیبات مقرر شده با هدف ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری، موجب تفوق کشورهای صنعتی بر دیگر کشورها می‌شود و از سوی دیگر موجبات کندی توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه: حقوق مالکیت فکری، اخلاق، ربای اجتماعی، بخل به جامعه، افشای علم، TRIPS

مقدمه

واژه‌های ثروت، سرمایه و دارایی^۲ از مفاهیم بسیار گسترده در اقتصاد است که در هر متن اقتصادی با ویژگی‌های مفهومی متنوع استعمال شده‌اند.^۳ شقوق^۴ مختلف سرمایه در طول تاریخ آنقدر متنوع بوده که در ازمنه‌ای نظیر دوران برده‌داری تملک انسان تحت عنوان برده و فرزندان برده‌گان و زن به عنوان همسر و فرزندان نیز از موارد تعریفی سرمایه تلقی می‌شده است!

^۱ دکتر بیژن بیدآباد، (B.A., M.Sc., Ph.D., Post-Doc.) <http://www.bidabad.com> bijan@bidabad.com

^۲ Fisher, Irving (1906) *The Nature of Capital and Income*. Macmillan.

^۳ Hayek, F. A. von (1941). *The Pure Theory of Capital*. The Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama 2009.

Kuznets, Simon, Smith (1961) *Capital in the American Economy: Its Formation and Financing*. Princeton University Press.

Robinson, Jones (1985). *Accumulation of Capital*. Palgrave MacMillan, United Kingdom, 2013.

Ahmad, Syed (1991). *Capital in Economic Theory: Neoclassical, Cambridge and Chaos*. Edward Elgar Publications.

^۴ Bourdieu, Pierre (1986), *The Forms of Capital*, in Richardson, John G., ed., *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood.

تنوع تعریفی سرمایه شامل موضوعاتی نظیر سرمایه‌های نقدی، ماشین‌آلات و تجهیزات و تأسیسات، انسانی، ساختاری، سازمانی، فرآیندی، مشتری، اجتماعی، فرهنگی^۶ و غیره می‌شود که هر کدام شقوق متنوعی نیز در ذیل خود دارند.^۸ این توسعه به مالکیت اندیشه نیز تسری داده شده بطوریکه ایده‌هایی که به ذهن فرد خطور نموده تحت عنوان سرمایه فکری ذیل واژه سرمایه قرار گرفته و نتیجتاً علم حقوق که به تبع مالکیت و حدود ثغور آن را بررسی می‌نماید برای حل و فصل منازعات و حقوق مترتب بر آن قواعدی را وضع کرده است. حقوق مالکیت فکری یا معنوی در معنی وسیع آن عبارت از حقوق ناشی از خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری است. در این شق از حقوق موضوع مالکیت بخشی از دارای‌های غیر ملموس است. در باب مالکیت فکری (معنوی) دو شکل عمده مالکیت‌های ادبی و هنری^۹ (شامل آثار سمعی و بصری، تجسمی، مکتوب، تزئینی و ...) و مالکیت‌های صنعتی و تجاری^{۱۰} (شامل اسماء تجاری، علائم تجاری و صنعتی، حق اختراع، حق دانش فنی، طرح‌های صنعتی و ...) مورد بحث قرار می‌گیرد.^{۱۱}

در این دوران مجموعه‌ای از قواعد حقوقی در بسیاری از کشورها تحت عنوان حقوق مالکیت معنوی یا فکری از حقوقی که به صاحبان سرمایه‌های فکری اعطاء شده است حمایت می‌کند و این حمایت‌ها از طریق موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی به سایر کشورها تسری داده شده‌اند. در این مقاله هدف ما بررسی این موضوع است که آیا ابداعات و اختراعات و خلق آثار فکری و موارد مرتبط با آن که تحت عنوان اصطلاح مالکیت فکری یا معنوی^{۱۲} طبقه‌بندی می‌شوند مستحق حقوقی خاص هستند یا خیر؟ سوال در این است که بستر دینی، فلسفی و اخلاقی این نوع حمایت که منجر به تفوق عدّه‌ای و سلطه بر دیگران شده و می‌شود چیست.

منشاء حقوق مالکیت فکری

اصطلاح مالکیت فکری یا معنوی هم در مورد حق مالکیت و هم درباره‌ی مال مورد معامله بکار برده می‌شود. تعریف دقیق از مالکیت فکری و ابعاد و ماهیت آن و نتیجتاً احکام مترتب بر آن در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است.^{۱۳} بر این اساس

^۵ جلیل خاوندکار، احسان خاوندکار، افشین متقی (۱۳۸۸) سرمایه فکری، مدیریت، توسعه و مدل‌های سنجش. مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.

^۶ Butler, Cornelia (2005). Community Capitals, North Central Regional Center for Rural Development, Iowa State University. Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2009) The Role of Social Capital in Financial Development. <http://www.faculty.chicagobooth.edu/finance/Papers/trust.pdf>.

^۷ Flora, Alice (2005). Cultural Capital and Other Capital, Nuffield College Oxford.

Tymon, Alfred, Stump, Joe (2003). Cultural Capital, Journal of Cultural Economics, Springer Netherlands, Vol. 23, No. 1-2.

Wogget, Gabriele (1993). Social Capital, Rural Sociology, No: 63.

روحانی، حسن (۱۳۸۸) درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳ زمستان، صص ۳۵-۷.

^۸ Harker, R. (1990). Education and Cultural Capital. In Harker, R., Mahar, C., Wilkes, C. (eds.). An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory. Macmillan Press, London.

^۹ Copyright

^{۱۰} Industrial Property

^{۱۱} سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) World Intellectual Property Organization (WIPO). ۲۰۰۹.

^{۱۲} Intellectual property right

^{۱۳} حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۷) مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم.

برخی حقوق فکری را حقوقی دانسته‌اند که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار می‌دهد.^{۱۴} برخی نیز منظور از حقوق فکری را حقوقی می‌دانند که موضوع آنها شیء مادی نیست بلکه اثر فکری انسان است که ارزش اقتصادی دارد.^{۱۵}

برخی منشاء مالکیت فکری را کار فرد دانسته و لذا حقوق پدیدآورندگان آثار فکری منتج از کار آنان و لذا شایسته دریافت مزد است. این دیدگاه هرچند درست می‌نماید ولی کامل نیست. زیرا نتیجه کار کارگر با نتیجه خلاقیت و ابتکار فکری یکسان نیست. از سوی دیگر وجه معقول آن این است که اگر کار یک فرد منتج به خلاقیتی می‌گردد چرا این خلاقیت باید مستفیض از حقوق انحصاری برای پدیدآورنده شود! اگر مبنای حقوق مالکیت فکری را کار انجام شده پدیدآورنده بدانیم مسائل عدیده‌ای بوجود خواهد آمد که به راحتی قابل حل نیست. علاوه بر این خطورات ذهنی همانطور که به ذهن فردی وارد می‌شود به ذهن دیگران نیز وارد می‌شود. و برای اولین کسی که موضوعی به ذهن وی خطور کند مستوجب تملک بر آن ایده نمی‌شود. مثلاً اگر بخواهیم حقوق مالکیت فکری قضیه تساوی مربع وتر با جمع مربعات دو ضلع دیگر در مثلث قائم‌الزاویه را مختص فیثاغورث بدانیم. تمام صناعات و سازه‌ها و ساختمان‌های قبل و حال و آینده را باید در گرو فیثاغورث (و یا وراثت وی) بگذاریم. مسلماً اگر این قضیه را فیثاغورث حل نمی‌کرد افراد بعد وی حل می‌کردند و خطور این قضیه در بار اول به ذهن فیثاغورث موجب مالکیت این قضیه و حقوق فکری مرتبط با آن برای او نمی‌شود. یا مثال دیگر هندسه دایره و اختراع چرخ است. مثال دیگر الکتریسیته است. و از این دست نمونه‌های فراوان در کلیه رشته‌های علوم و فنون و صناعات هست.

برخی دیگر منشاء این حق را ناشی از شخصیت پدیدآورنده می‌دانند. ولی آنچه که در حال حاضر بسیار مطرح است این است که حق پدیدآورنده نوعی مالکیت شناخته می‌شود. از لحاظ حقوقی بر این نظر این اشکال وارد می‌شود که مالکیت حقی دائمی، مطلق و مالی است درحالی‌که حقوق فکری موقت، غیرمطلق و غیرمالی است. برخی دیگر این حق را منبث از قرارداد دانسته‌اند. اگر قرارداد خصوصی بین اشخاص فرض شود با توجه به اصل حاکمیت قراردادها توافق در قبال انجام کار و منطبق با توافق اطراف قرارداد صورت می‌یابد و معقول است. ولی بسط و توسعه آن به قرارداد اجتماعی صحیح نمی‌تواند باشد. یعنی چون پدیدآورنده اثر خود را به اجتماع عرضه می‌دارد لذا جامعه نیز مکلف می‌شود تا پاداش مابازاء آن را به وی پرداخت کند. این موضوع از این جهت قابل نقد است که منشاء خلق هر خلاقیت و ابتکار هر فرد، همان امکاناتی است که جامعه در اختیار پدیدآورنده قرار داده است. به عبارت دیگر تربیت و امکانات مختلف و متنوع جامعه بوده که این قدرت خلق اثر فکری را برای پدیدآورنده بوجود آورده است و گرنه فرد به تنهایی و دور از جامعه نمی‌توانسته مورث خلق آن اثر باشد؛ زیرا که آن اثر در جامعه کاربرد دارد. نظر اخیر مؤید نظرات کسانی است که این قسم حقوق را ناشی از اخلاق می‌دانند. به عبارتی، موارد اخلاقی نظیر رقابت غیرمنصفانه و تحصیل و انباشت سرمایه، بخل نسبت به اجتماعی که خود مبتکر

^{۱۴} کاتوزیان ناصر (۱۳۸۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت. تهران، نشر میزان. چاپ هشتم، ص ۲۳.

^{۱۵} صفایی، حسین (۱۳۷۵). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در مقالاتی درباره حقوق مدنی و

حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان. چاپ اول، ص ۶۸.

را آفریده، عدم استحقاق دریافت مازاد از هبه‌کننده حق توسط گیرنده حق، و از این قبیل موارد همگی دلالت بر این دارند که حقوق پدیدآورنده نباید در حدودی از انحصار قرار گیرد که موجبات موارد اخیر را فراهم آورد. بطور کلی مالکیت مفهومی عرفی و اعتباری است و به هر چیزی که از آن شخص است و دارنده‌اش می‌تواند هرطور بخواهد آن را بکار گیرد و دیگری بدون اجازه دارنده این حق نمی‌تواند از آن بهره‌مند گردد، اطلاق می‌شود^{۱۶} ولی این تعریف نمی‌تواند موارد موضوع مالکیت فکری را شامل باشد. از لحاظ طبقه‌بندی‌های حقوقی، باید گفت حق مالکیت فکری مادام که نفعی که مستقیماً قابل تقویم به پول باشد، ایجاد نکند از جمله حقوق غیرمالی بشمار می‌آید که ارزش مبادله ندارد و مستقیماً قابل ارزیابی به پول نیست. ولی زمانی که موضوع حق، مالکیت و حق انتفاع است جنبه حقوق مالی می‌یابد ولی این جنبه تعلق به عین مال دارد نه حقوق غیرمالی مترتب بر آن. یعنی ماهیت مالکیت فکری در زمره اقسام مالکیت مالی محسوب نمی‌شود که دیگری بدون اجازه دارنده این حق نتواند از آن بهره‌مند گردد. به عبارتی شخص می‌تواند حقوق ناشی از حق مالی چه عینی و چه دینی که شخص بدون واسطه نسبت به مال خارجی (حق عینی) و نسبت به دیگری (حق دینی) دارد را مطالبه کند^{۱۷} ولی ماهیت حقوق فکری وقتی حق غیرمالی است با حقوق عینی و دینی انطباق ندارد. به عبارت دیگر حقوق فکری در «حکم اموال منقول» نیست هرچند تصریح کنیم که واژه فکری در اصطلاح حقوق مالکیت فکری صرفاً اشاره بر این دارد که متعلق حق، مادی نیست، بلکه فعالیت فکری انسان است. لذا برخی حقوق مالی را بنا بر تعریف کلاسیک به حقوق عینی و دینی منحصر ندانسته و حق دیگری نیز تحت عنوان حقوق فکری مطرح و حق مالی را به سه دسته عینی، دینی و معنوی تقسیم کرده‌اند.^{۱۸} برای توضیح بیشتر فرض کنید در دوران برده‌داری هستیم و حقوق مالکیت فکری امروزه را بر جامعه مورد مثال مرعی می‌داریم. معنی آن این است که اگر برده‌ای یا فرزند وی صنعتی آموخته باشد باید مادام العمر بهره و بازده آن صنعت را به اربابش رد کند. این امر از لحاظ اصول عقلی و انسانی و اخلاقی حتی در دوران برده‌داری نیز دچار تردید بوده چه برسد به انسان متمم‌دین امروزی! حال اگر مطابق برخی قواعد حقوقی بعضی کشورها این حقوق به ارث هم برسد و از لحاظ زمانی محدود هم نباشد موضوع با چالش بیشتر خواهد بود. مثال دیگر در این است که مثلاً فردی اثری فرهنگی را ابتیاع می‌کند و از آن الهام گرفته و اثر کاملتری را خلق می‌کند. سؤال می‌شود آیا خلق اثر دوم که منتج از اثر خلق اول است از لحاظ حقوقی باید مدیون صاحب اثر اول باشد؟ اگر پاسخ مثبت باشد دین به قهقرا می‌رود و دین هرکس به ماقبل خود بر می‌گردد تا آدم ابولبشر. مثلاً استفاده از اعداد از اختراعات چند هزار سال پیش بوده و لذا هیچکس مُحق نیست یک عمل ریاضی شمارش یا جمع و تفریقی انجام دهد زیرا مُبدع شمارش جواز استفاده از آن را صادر نکرده است. مسلماً این استنتاج پذیرفته عقل نیست. وقتی فردی یک اثر فکری را به اختیار دیگری در می‌آورد، جرم ثقیل آن را به وی نمی‌فروشد بلکه خواص و آثار مترتب بر آن را مبادله کرده است. یعنی با فروش مثلاً یک کتاب علاوه بر جلد و کاغذ آن تمام دانش درون آن را به تصرف خریدار درآورده است.

^{۱۶} ساکت، محمد حسین (۱۳۸۵) حقوق مالکیت فکری، تاریخچه و مبانی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۰ و ۵۱ ص ۷۴.

^{۱۷} کاتوزیان ناصر (۱۳۸۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، ص ۲۳.

^{۱۸} کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). مقدمه علم حقوق، چاپ ۲۷، انتشارات دانشگاه تهران. صص ۲۶۴ - ۲۶۳.

در خصوصیات حق فکری ذکر می‌شود که اصل این حق غیر قابل انتقال است. یعنی همانند سایر حقوق شخصی انتقال آن به غیر به موجب قرارداد جایز نیست. ولی واگذاری اعمال و اجرای آن به غیر مجاز است. برخی در باب انتقال آن پس از مرگ پدیدآورنده معتقدند که حق فکری مربوط به شخصیت مؤلف است و بدون شک این حق مشروع است و از جمله احکام حق، انتقال قهری آن به وارث است.^{۱۹} در خصوص آثاری که از طریق اشخاص حقوقی تولید می‌شوند قوانین برخی از کشورها انتقال حقوق را اجازه نمی‌دهند و در برخی به موجب قانون مقرر شده که حقوق مزبور طی قراردادهای استخدام و پیمانکاری منتقل شده تلقی گردد. کنوانسیونهای بین‌المللی در زمینه قابلیت انتقال حقوق فکری مؤلف مبهم است.^{۲۰} دیگر اینکه حق فکری محدود به زمان و مکان نیست و نمی‌تواند مبادله شود.^{۲۱} دیگر قابلیت استناد این حق است. یعنی همگان مکلفند تا آن حق را محترم بدارند. دیگر از خصوصیات آن، غیرمادی بودن حق فکری است.

منع بخل نسبت به جامعه

بخل در لغت به معنی زفتی کردن، آز، لامت، طمع، منع کردن و امساک کردن است. و متضاد کرم و جوانمردی و جود و به معنی حصر در مقابل سخاء و رادی است.^{۲۲} در تعریف بخل عبارت از امساک از مصرف مال و دارایی بخل است. بخل، منع از مال خویشتن، و شح، بخل از مال دیگران است و گفته‌اند بخل ترک ایثار هنگام حاجت است و گفته‌اند محو صفات انسانی و اثبات عادات حیوانی است.^{۲۳}

منع بخل نسبت به جامعه موضوعی اخلاقی است و عقل نیز از وجوه مختلف به آن حکم می‌کند. با این عبارت منظور این است که علی القاعده منافع جامعه را نباید معطل منافع فردی نمود. مشابه این موضوع در ارتباط موارد مختلف تعرض حقوق عمومی به حقوق خصوصی در رفع مشکلات و موانع اجتماعی در همه نظام‌های حقوقی قوانین عدیده‌ای وجود دارد. به عبارتی دیگر هر کدام از افراد بشر یافته‌های خود را از جامعه خود دریافت کرده‌اند و بر علوم محصل از جامعه، دانش یا فن یا هنر و ابتکاری افزوده است. در زمان اخذ از مخزن تجربه جامعه این علم را رایگان دریافت داشته ولی هنگام اعطاء به

^{۱۹} گرجی، ابو القاسم (۱۳۷۱) حقوق معنوی و حکم آن. خبرنامه انفورماتیک، سال ۷ ش ۳ و ۴ شهریور و آبان ۱۳۷۱، ص ۳۳.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، گنج دانش، ص ۳۲۳.

در حقوق فرانسه حقوق معنوی پدیدآورنده پس از مرگ وی به کسی که به موجب وصیت برای اعمال این حقوق و در واقع برای حفظ حرمت پدیدآورنده و اثر او تعیین شده است منتقل می‌گردد و در صورت عدم وصیت به ورثه منتقل می‌گردد.

صفایی، حسین (۱۳۷۰) حقوق مدنی تطبیقی، نشر میزان، تهران. ص ۸۶

^{۲۰} کنوانسیون برن به موجب بند ۱ ماده ۶ مکرر، مقرر می‌دارد: «مستقل از حقوق مادی و حتی پس از انتقال حقوق مزبور، مؤلف حق ادعای تألیف اثر را دارد و می‌تواند به جهت تحریف، تبدیل و هر گونه تغییر و عمل موهن نسبت به اثر مزبور که موجب لطمه به احترام و شهرت او می‌شود اعتراض نماید.»

^{۲۱} بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برن، مدت اعتبار حقوق مادی را تا ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده مقرر کرده است.

^{۲۲} لغت نامه دهخدا، منتهی الارب، ناظم الاطباء، اقرب الموارد، تاج المصادر بیهقی، المصادر زوزنی، ترجمان القرآن جرجانی ترتیب عادل بن علی.

<https://www.vajehyab.com/dekhoda/%D8%A8%D8%AE%D9%84>

^{۲۳} تعریفات جرجانی.

جامعه در مقام مطالبه برآمده و طلب وجه از جامعه می‌نماید و متوقع است که جامعه نیز آن را تحت عنوان حقوق مالکیت فکری بپردازد. آنچه درباره منع بخل در قرآن کریم به آن تأکید فراوان شده است همان منع بخل نسبت به جامعه است و آیات در این باره جامع هستند و تخصیص نخورده‌اند که بتوان حقوق شمرده شده تحت مالکیت فکری را از آن مستثنی نمود. در سوره لیل می‌فرماید: ^{۲۴} «سوگند به شب چون پرده افکند. سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد. و سوگند به آنکه زاده و ماده را آفرید. که همانا تلاش شما پراکنده است. اما آنکه داد و پروا داشت. و نیکوتر را تصدیق کرد. بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید. و نیکوتر را به دروغ گرفت. بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود. و چون هلاک شد، مال او به کارش نمی‌آید. همانا هدایت بر ماست. و در حقیقت دنیا و آخرت از آن ماست. پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. جز نگون‌بخت‌تر در آن درنیاید. همان که تکذیب کرد و رخ برتافت. و پاک‌رفتارتر از آن دور داشته خواهد شد. همان که مال خود را می‌دهد پاک شود. و هیچکس را به قصد پاداش یافتن، نعمت نمی‌بخشد. جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است. و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد.» در سوره نساء می‌فرماید: ^{۲۵} «و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و هم‌نشین و درراه‌مانده و بردگان خود (نیکی کنید) که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد. همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم. و کسانی که اموالشان را برای نشان‌دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است. و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می‌کردند چه زیانی برایشان داشت و خدا به آنان دانا است. در حقیقت خدا هم‌وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر نیکی باشد دو چندانش می‌کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد.» در سوره حدید می‌فرماید: ^{۲۶} «تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد. همانان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی‌دارند و هر که روی گرداند قطعاً خدا بی‌نیاز ستوده است.» در سوره توبه

^{۲۴} سوره لیل، آیات ۲۱-۱. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ. وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ. وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ. إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَىٰ. فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ. وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ. وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ. وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ. إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ. وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ. فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ. لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ. الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ. وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ. الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ. وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ. إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ. وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ.»

^{۲۵} سوره نساء، آیات ۴۰-۳۶. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِالْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا. وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا. إِنَّ اللَّهَ لَا يَطَّلِمُ مَثْقَالَ دَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا.»

^{۲۶} سوره حدید، آیات ۲۴-۲۳. «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ.»

می‌فرماید: ^{۲۷} «و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. پس چون از فضل خویش به آنان بخشید بدان بخل ورزیدند و به حال اعراض روی برتافتند.» در سوره آل عمران می‌فرماید: ^{۲۸} «و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می‌ورزند هرگز تصور نکنند که آن برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند روز قیامت طوق گردنشان می‌شود میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.» در سوره محمد می‌فرماید: ^{۲۹} «زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید پاداش شما را می‌دهد و امواتان را نمی‌خواهد. اگر (اموال) شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب کند بخل می‌ورزید و کینه‌های شما را بر ملا می‌کند. شما همان هستید که برای انفاق در راه خدا فراخوانده شده‌اید پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتایید جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.» و در سوره بقره می‌فرماید: «کسانی که آنچه از نشانه‌های روشن و هدایت را که فرو فرستادیم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب بیان کردیم کتمان می‌دارند آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند مگر کسانی که توبه کردند و اصلاح نمودند و آشکار کردند پس بر آنان توبه خواهیم کرد و من بسیار توبه‌پذیر مهربانم» ^{۳۰} و همچنین از پیامبر اکرم (ص) وارد شده که فرمود: ^{۳۱} کسی که از علم سوال شود و آن را کتمان نماید خداوند او را به لجامی از آتش افسار زند. همه اینها با این صراحت و روشنی میباید این هستند که باید در جهت اعتلای جامعه از منافع و دارایی خود صرف‌نظر نمود. در بحث حقوق مالکیت فکری این آیات دلالت دارند بر اینکه نمی‌توان به جواز متقنی مبتنی بر حصر کامل حقوق مالکیت فکری رسید تا مردم را از مواهب داشته‌های فکری معذور داشت.

منع ربای اجتماعی

ربا در لغت به معنی «زیادی» است. در لسان العرب ^{۳۲} آمده: «وَأَلْأَصْلُ فِيهِ الزِّيَادَةُ مِنَ الرِّبَا أَلْمَالِ إِذَا زَادَ أَوْ إِزْتَفَعَ وَ نَمَّا». یعنی «ربا در لغت به معنای یک نوع زیاده است که در اموال و ثروت به وجود می‌آید». در لغت‌نامه دهخدا ^{۳۳} ربا به معنی سود و نفع زر

^{۲۷} سوره توبه، آیات ۷۶-۷۵. «وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنِ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ.»
^{۲۸} سوره آل عمران، آیه ۱۸۰. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لِّمَنْ بَلَّ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.»

^{۲۹} سوره محمد، آیات ۳۸-۳۶. «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهْوُ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ. إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخْفِكُمْ تَبْخُلُوا وَخُجِرَ أَسْأَلُكُمْ. هَآئِنَّمْ هُوَآءُ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ.»

^{۳۰} سوره بقره، آیات ۱۶۰-۱۵۹. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.»

^{۳۱} سنن ابوداود و سنن ترمذی. «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكْتَمَهُ أَلْجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ.»

^{۳۲} - لسان العرب، ابن منظور، جلد ۱۴، ص ۳۰۵.

^{۳۳} - علی اکبر دهخدا، چاپ مؤسسه دهخدا.

(به نقل از برهان قاطع) آورده شده است. المنجد نیز ربا را به معنای افزایش و زیادی به طور مطلق معنا کرده است. در «قاموس المحيط» نیز آمده است: ربا در لغت به معنی مطلق زیادی است و رابیه که از ریشه ربا (ربو) در آیه «فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً»^{۳۴} آمده است به معنای «زیادی» است. ربا به عنوان یک کلمه عربی و مصدر به معنای افزون شدن و نشو و نما کردن به نقل از غیث اللغات و منتخب اللغات و مصادر اللغة زوزنی نیز ترجمه شده است. در معجم مفردات الفاظ القرآن، ربا در لغت به معنی زیادتی بر رأس مال معنی شده، اما در شرع افزایش مال به قسمی که دلیلی بر آن نباشد معنی شده است.^{۳۵}

اگر ربا را به معنی مطلق زیادی بگیریم، فروش دانش به اجتماع یعنی اخذ مازاد برآن علمی که از جامعه دریافت شده نیز مفهوم ربا می‌دهد و لذا اینجا از آن به عنوان ربای اجتماعی ذکر می‌شود تا متمایز از مفهوم اصطلاحی عرفی آن باشد. این موضوع یعنی منع بخل نسبت به جامعه از تأویل آیات منع ربا نیز قابل استنباط است.

قرآن کریم درباره ربا می‌فرماید:^{۳۶} «آن زیادتی که شما دادید که بر اموال مردم بیافزاید نزد خدا هرگز نیفزاید و آن زکاتی که برای خدا می‌پردازید آنها مضاعف خواهند شد.» علامه طباطبایی^{۳۷} ربا را در این آیه به معنی نمو مال و زیاد شدن آن معنی می‌کند و بیان می‌دارد که مراد از ربا در این آیه ربای حلال، و مراد از زکات، زکات واجب است که به قصد رضای خدا داده شود و اضافه می‌نماید که در صورتی این ترجمه صحیح است که این آیه مکی باشد و اگر در مدینه نازل شده باشد، مراد از ربا همان رباخواری حرام و مراد از زکات همان زکات واجب است و سپس ذکر می‌نماید که این آیه و آیات قبلش به آیات مدنی شبیه‌ترند تا به آیات مکی، و اینکه بعضی ادعای روایت یا اجماع منقول در این باب کرده‌اند اعتباری بر گفتارشان نیست. قرآن می‌فرماید:^{۳۸} «ربا می‌گرفتند و نهی شده بودند از آن و اموال مردم را به باطل می‌خوردند و ما برای کافریشان عذاب دردناکی مهیا کرده‌ایم.» و می‌فرماید:^{۳۹} «ای کسانی که ایمان آوردید ربا را به اضافه مضاعف مخورید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید و بترسید از آتش که برای کافران مهیا شده، خدا و رسول را فرمان برید، باشد که مورد رحمت واقع شوید.» در سوره بقره می‌فرماید:^{۴۰} «کسانی که ربا می‌خورند به پای نمی‌خیزند جز مانند کسی که با تماس با شیطان آشفته شده است، این به واسطه آن است که گفتند: داد و ستد مثل ربا است و خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام

^{۳۴} - سوره حاقه، آیه ۱۰.

^{۳۵} - راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالفکر بیروت، لبنان. ص ۱۹۲.

^{۳۶} - سوره روم، آیه ۳۹. «مَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِيَرْثُوهُ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْثُوهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضَعَّفُونَ.»

^{۳۷} - علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ذیل همین آیه.

^{۳۸} - سوره نساء، آیه ۱۶۱. «وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.»

^{۳۹} - سوره آل عمران، آیات ۱۳۲-۱۳۰. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.»

^{۴۰} - سوره بقره، آیات ۲۸۰-۲۷۵. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقْوَمُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَن عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. يَحْقُقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ بَرِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِمَّ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَنْظُمُونَ وَ لَا تَنْظَمُونَ وَ إِن كَانِ دُوعَسْرَةً فَنِظْرَةً إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَ أَنَّ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ.»

کرده، پس هر کس که پندی از جانب پروردگارش به او آمد و باز ایستاد، برای اوست آنچه گذشته و کار او با خداست و کسی که بازگشت آنانند یاران آتش که در آن جاویدان‌اند. خداوند، ربا را نابود و صدقات را افزون می‌کند و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کار را دوست ندارد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارش برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. ای کسانی که ایمان آوردید تقوا ورزید و آنچه از ربا مانده واگذارید اگر مؤمن هستید. و اگر نکردید پس جنگی از خدا و پیغمبرش را خواسته‌اید، و اگر توبه کردید برای شماسست اصل اموالتان، نه ستم کنید و نه ستم ببینید و اگر تنگدستی بود پس مهلتی تا فراخ دستی به او بدهید، و چنانچه بدو ببخشید برای شما بهتر است اگر بدانید.» روح آیات فوق علاوه بر مفاهیم و استنباطات لفظی و عرفی آن همگی دلالت بر آن دارد که برای نفع فردی نباید جامعه را به تعب انداخت و مازاد بر آنچه داده شده اخذ کرد. امیرالمؤمنین علی (ع) درباره تعلیم و انتشار دانش می‌فرماید: ^{۴۱} «زکات علم نشر دادن آن است.» و همچنین می‌فرماید: ^{۴۲} «زکات علم بخشش آن بر مستحق آن است.» در این ارتباط باید گفت همانطور که زکات بر مازاد ارزش حاصله بر مال یعنی ارزش افزوده وضع می‌شود، زکات علم نیز باید بر ابتکار و خلاقیت فرد از علم دریافت شده از جامعه وضع شود، یعنی نشر و بخشش آنچه خود بر آن علم افزوده است.

منع عدم افشای علم

بیان حقایق و علم از مواردی است که خداوند در قرآن به آن دستور می‌فرماید و کتمان کننده آن را شدیداً سرزنش می‌کند. در ابتدا باید به این موضوع اشاره کرده که علم در مالکیت خدای یکتاست و اوست که به هر کس به میزانی آن را تعلیم فرموده و آنچه به خلق تعلیم شده جز افاضه او نیست. آیات متعددی در قرآن کریم در این باب صراحت تام دارند. لذا منشأ و مالکیت علمی که بشر به آن دست می‌یابد متعلق به خداوند است و چیزی نیست که او از نزد خود آورده باشد. در این باب قرآن کریم می‌فرماید: ^{۴۳} «و به (داوود) فن زره آموختیم تا شما را از جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید.» در سوره کهف می‌فرماید: ^{۴۴} «تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم.» در سوره نمل می‌فرماید: ^{۴۵} «و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است.» و در سوره احقاف می‌فرماید: ^{۴۶} «گفت علم فقط نزد خداست و آنچه را بدان فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم ولی من شما را گروهی می‌بینم که در جهل اصرار می‌ورزید.» و در سوره لقمان

^{۴۱} میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۹۵۸. «زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ»

^{۴۲} غرر الحکم، ص ۴۲۴. «زَكَاةُ الْعِلْمِ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ».

^{۴۳} سوره انبیاء، آیه ۸۰. وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

^{۴۴} سوره کهف، آیه ۶۵. فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا

^{۴۵} سوره نمل، آیه ۱۵. «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ».

^{۴۶} سوره احقاف، آیه ۲۳. «قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ».

می‌فرماید: ^{۴۷} «آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است و برخی از مردم در باره خدا بی (آنکه) دانش و رهنمود و کتابی روشن (داشته باشند) به مجادله برمی‌خیزند». و در سوره زمر می‌فرماید: ^{۴۸} «و چون انسان را آسبیبی رسد ما را فرامی‌خواند سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید تنها آن را به دانش خود یافته‌ام نه چنان است بلکه آن آزمایشی است ولی بیشترشان نمی‌دانند». و در سوره علق می‌فرماید: ^{۴۹} «بخوان و پروردگار تو کریمترین است، همان کس که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی‌دانست آموخت». و فرمود: ^{۵۰} «و همه نامها را به آدم آموخت سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویی از اسامی اینها به من خبر دهید. گفتند منزهی تو ما را جز آنچه تو به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست همانا تویی دانای حکیم». تمام آیات فوق دلالت بر این موضوع دارند که علم عطایای الهی است و لذا کتمان آنچه او عطا کرده و دستور فرموده تا بر خلق او بیان شود خلاف امر اوست.

در این باب یعنی کتمان و عدم افشای دانش در آیات متعدد موضوع را بیان می‌فرماید. در سوره نساء می‌فرماید: ^{۵۱} «همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم». در سوره بقره می‌فرماید: ^{۵۲} «کسانی که به ایشان کتاب داده‌ایم همانگونه که پسران خود را می‌شناسند او را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان می‌دانند. حق از جانب پروردگار توست پس مبادا از تردید کنندگان باشی. و برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن می‌گرداند پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید هر کجا که باشید خداوند همگی شما را می‌آورد در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست». و می‌فرماید: ^{۵۳} «کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم نهفته می‌دارند آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت کنندگان لعنتشان می‌کند. مگر کسانی که توبه کردند و اصلاح نمودند و آشکار کردند پس بر آنان خواهیم بخشود و من توبه‌پذیر مهربانم. کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد.» و در ادامه در سوره بقره می‌فرماید: ^{۵۴} «کسانی که آنچه را

^{۴۷} سوره لقمان، آیه ۲۰. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ».

^{۴۸} سوره زمر، آیه ۴۹. «فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

^{۴۹} سوره علق، آیات ۳-۵. «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».

^{۵۰} سوره بقره، آیات ۳۲-۳۱. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ».

^{۵۱} سوره نساء، آیه ۳۷. «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا».

^{۵۲} سوره بقره، آیات ۱۴۸-۱۴۶. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ. الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ. وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْحِزْبَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

^{۵۳} سوره بقره، آیات ۱۶۱-۱۵۹. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ. إِلَّا

الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».

^{۵۴} سوره بقره، آیات ۱۷۷-۱۷۴. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ

خداوند از کتاب نازل کرده پنهان می‌دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می‌آورند آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت. آنان همان کسانی هستند که گمراهی را به هدایت و عذاب را به آموزش خریدند پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکبیا باشند. چرا که خداوند کتاب را به حق نازل کرده است و کسانی که در باره کتاب با یکدیگر به اختلاف پرداختند در ستیزه‌ای دور و درازند. نیکوکاری آن نیست که روی خود را به مشرق و مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه ماندگان و گدایان و در آزاد کردن بردگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارند.»^{۵۵} و می‌فرماید: «و هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید پس آن را پشت سر انداختند و در برابر آن بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله‌ای کردند.» و در این باب دستور به اطاعت به دارندگان درجات علم می‌دهد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید خدا کسانی از شما را که گرویده و کسانی که دانشمندند درجاتی داده شده‌اند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.» و می‌فرماید: «و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند به آن چه از دانش که نزدشان بود خرسند شدند و آنچه به آن بودند ریشخند می‌زدند.»

حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: «مثل علما و دانشمندان بد همانند سنگ بزرگی است که بر دهانه نهر قرار می‌گیرد، که نه خود آب می‌آشامد و نه آب را به کشتزار رها می‌کند.» حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «پنهان کننده علم را، همه چیز لعنت می‌کند حتی ماهی در دریا و پرند در آسمان.» همچنین می‌فرماید: «هرگاه از دانشمندی چیزی را که می‌داند سؤال کنند و او کتمان نماید روز قیامت افساری از آتش بر دهان او می‌زنند!» و همچنین امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

الْقِيَامَةِ وَلَا يُرَكِّبُهُمْ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ. أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ. لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.»

^{۵۵} سوره آل عمران آیه ۱۸۷. «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكُونُوهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ.»
^{۵۶} سوره مجادله، آیه ۱۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا فَيَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

^{۵۷} سوره غافر، آیه ۸۳. «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.»

^{۵۸} مثل علماء السوء، مثل صخرة وقعت على فم النهر، لا هي تشرّب الماء ولا هي تترك الماء يخلص إلى الرزق. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۴

^{۵۹} بحار ج ۷۰، ص ۳۰۳. «كاتب العلم يلغنه كل شيء، حتى الحوت في البحر والطير في السماء»

^{۶۰} طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ اسلامیه تهران، ۱۳۹۰ ق. ج ۱ ص ۲۴۱. و ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۰۷. «من سئل عن علم يعلمه فكتمه، ألجم يوم القيامة بلجام من نار».

«همانا عالمی که علم و دانش خود را مخفی نگه دارد، در روز قیامت با بدترین بوها مبعوث می شود.»^{۶۱} در حدیث دیگری از حضرتش پرسیدند: «بدترین خلق خدا بعد از ابلیس و فرعون ... کیست؟» در پاسخ فرمود: «آنها دانشمندان فاسدند که باطل را اظهار و حق را کتمان می کنند و همانها هستند که خداوند بزرگ در باره آنها فرموده: لعن خدا و لعن همه لعنت کنندگان بر آنها خواهد بود.»

ملاحظات فقهی مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در فقه توسعه زیادی ندارد و لذا در باب آن اجماعی نیست. برخی برای اثبات ضمان در مواردی از عدم النفع، به بنای عقلاً^{۶۳} و برخی^{۶۴} به قاعده لاضرر^{۶۵} به عنوان مهم ترین دلیل بر تأیید حقوق مالکیت فکری استناد کرده اند.^{۶۶} هر دو شیوه بر این مقدمه استوارند که عقلاً برای آن مسؤولیت مدنی قائل می شوند که اسناد خلق ابتکار و آفرینش فکری به خود مانع استیفای منفعت مالک و موجب ضمان است، حال آنکه اثبات چنین امری بسیار دشوار است. اگر گفته شود که فکر و ابتکار در استیلای دیگری قرار نمی گیرد عملاً قاعده ضمان ید جاری نمی شود و قاعده اتلاف هم دچار مشکل می گردد مگر تقویت منفعت را موجب ضمان بدانیم.^{۶۷} برخی نیز حق تألیف را مالیت ذاتی مؤلف محسوب می کنند زیرا حاصل تلاش فکر مؤلف است پس منفعت نهفته در آن نصیب مؤلف است.^{۶۸} ادله ارائه شده در رابطه با منع تصرف مال غیر غالباً مستند به احادیث منسوب به پیامبر اکرم (ص) نظیر «الناس مُسَلِّطُونَ عَلٰی أَمْوَالِهِمْ» یا «لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَّالٌ أَخِيهِ إِلَّا عَنِ طَيْبِ نَفْسِهِ» است. این استنباط در رابطه با عدم جواز غیر در تحریف یا تبدیل کلام مؤلف مصداق می یابد ولی بر استحقاق عوض مال نسبت به مالکیت فکری آن تصریح ندارد. این امر یعنی عدم جواز تحریف، در قرآن صراحت دارد. یعنی منقول مجاز به تحریف (به انحاء مختلف سانسور، کتمان، سرقت ادبی و ...) نیست. قرآن کریم می فرماید:^{۶۹} «پس به آنچه پیمانشان را شکستند لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم، کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی مگر اندک از ایشان. پس از آنان

^{۶۱} کنز العمال، ۲۸۹۹۷. «إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمُهُ يُبْعَثُ أَنْتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ رِجْحًا»

^{۶۲} طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار الاسوه، تهران، ۱۴۱۶ق. و ملا محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۹. «من شر خلق الله بعد ابليس و فرعون ...»، «العلماء اذا فسدوا، هم المظهرون للاباطيل، الكاتمون للحقائق، و فيهم قال الله عز و جل اولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون ...»
^{۶۳} بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهية، قم، نشرالهادی، چاپ اول. ص ۱۸۴.

^{۶۴} حسینی حائری، کاظم (۱۴۲۳ق) فقه العقود، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم. جلد ۱، ص ۲۴۷.

^{۶۵} فرمایش پیامبر اکرم (ص): لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، کتاب شفعه، باب ۵.

^{۶۶} - افتخارزاده، محمود (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان و مترجمان در فقه معاصر اسلامی. نشر هزاران، تهران.

^{۶۷} طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰ق) العروه الوثقی، موسسه نشر الاسلامی، چاپ اول. ص ۲۰.

^{۶۸} افتخارزاده، محمود رضا (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران، چاپ اول. ص ۱۳۸.

^{۶۹} - سوره مائده، آیه ۱۳. «فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

درگذرد و چشم‌پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد». و می‌فرماید: ^{۷۰} «برخی از آنان که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین می‌گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو (که کاش) ناشنوا گردی و (نیز از روی استهزا می‌گویند) راعنا (که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث ما) و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز (گروهی) اندک ایمان نمی‌آورند». و می‌فرماید: ^{۷۱} «آیا طمع دارید که به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند». ولی این آیات منعی بر کپی کردن، شبیه‌سازی، اقتباس و ... با رعایت درستی و امانت وضع نمی‌فرماید. آنچه در این باب اشاره به آن لازم است این است که علیرغم ذمّ تحریف جزای حدّ برای آن تا وقتی زیان نرساند در قرآن قید نمی‌شود و می‌فرماید: ^{۷۲} «ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را غمگین نسازند از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آنکه دل‌هایشان ایمان نیاورده بود و از یهودیان که گوش می‌سپارند برای تکذیب و برای گروهی دیگر که نزد تو نیامده‌اند خبرچینی می‌کنند کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند. می‌گویند اگر این به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید اینانند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. پذیرا و شنوای دروغ هستند بسیار مال حرام می‌خورند پس اگر نزد تو آمدند میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می‌کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد.»

از لحاظ فقهی برخی موضوع حقوق مالکیت فکری را در اخذ اجرت بر واجبات مطرح کرده‌اند بدین ترتیب که اگر تألیف کتاب یا ابداعی حیاتی یا ضروری بشر باشد اقدام بر آن واجب است و با اخذ اجرت همخوان نیست ولی در مستحبات جایز است. ^{۷۳} این قاعده وقتی ضرورت و حیات جامعه به ارزاق عمومی باشد تا آنجا پیش می‌رود که حاکم شرع جواز دارد تا در خشکسالی و قحطی دستور دهد درب انبارهایی که رزق عام مردم را احتکار کرده‌اند بشکنند و رزق عمومی را میان عموم تقسیم نمایند. البته رزق عام تعریف و محدودیت‌های خاصی دارد که شامل انواع آذوقه نمی‌شود و منحصر به ارزاقی چون گندم و در زمان قحطی است. یعنی اهمیت حیات جامعه تا آنجا مهم است که می‌توان برای احیاء آن در شرایط خاص حقوق

^{۷۰} -سوره نساء، آیه ۴۶. «مَنْ الدِّينِ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيَّا بِالْأَسْتِثِيمِ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمِعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا».

^{۷۱} -سوره بقره، آیه ۷۵. «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ».

^{۷۲} -سوره مائده، آیات ۴۲-۴۱. «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الدِّينُ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الدِّينِ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الدِّينِ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَمْ فِي الدُّنْيَا حَزْبٌ لَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

^{۷۳} افتخارزاده، محمودرضا، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷.

مسلم برخی را نادیده گرفت و حتی به حقوق آنان تعدی نمود و انبار آذوقه آنان را مصادره کرد.

برخی سیره عقلا را مؤید مشروعیت حقوق مالکیت فکری دانسته‌اند و دلیل عقل را طرح کرده‌اند. ولی در این باب حکم عقلی مطرح شده با عمل عقلاء حقیقی که انبیاء و اولیاء علیهم السلام است قیاس مع الفارق است. زیرا آنها بدون مزد و رایگان علوم حقیقی را به خلق می‌آموختند و مزد گرفتن بر آن را حرام می‌دانستند، چه رسد به علوم ظاهری. حدوداً ۱۲ آیه در این موضوع است که رسول اکرم (ص) و دیگر رسولان (ع) می‌فرمایند من از بابت رسالتم مزدی از شما نمی‌گیرم و مزد من نزد خداست. در قرآن کریم می‌فرماید: ^{۷۴} «من از شما هیچ پاداشی نخواسته‌ام که پاداش من با خداست و امر شده از مسلمین باشم». در آیه دیگری به پیامبر (ص) خطاب می‌شود که: ^{۷۵} «بگو من از شما هیچ مزدی درخواست نمی‌کنم و این رسالت بدان می‌گذارم که هر که خواهد به سوی پروردگارش راهی یابد.» و به کرات فرمود: ^{۷۶} در آیه دیگر می‌فرماید: ^{۷۷} «ای پیامبر! بگو اگر هر مزدی که از شما طلبیده‌ام از آن خودتان باد، مزد من تنها بر عهده خداست». در آیه دیگری می‌فرماید: ^{۷۸} «اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به روش ایشان اقتدا کن. بگو در برابر آن هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم و این جز اندرزی برای مردم جهان نیست». در جای دیگر می‌فرماید: ^{۷۹} «ای قوم از شما مزد نمی‌طلبم مزد من تنها با آن کسی است که مرا آفریده آیا تعقل نمی‌کنید». باز می‌فرماید: ^{۸۰} «بگو از شما مزد نمی‌خواهم جز دوستی با خویشاوندان». در آیه دیگری می‌فرماید: ^{۸۱} «ای قوم از شما مالی نمی‌خواهم و مزد من تنها با خداست». از آیات فوق واضح است که دریافت دستمزد برای انذار و ارشاد و هدایت مشروع نیست. این موضوع در مورد سایر پیامبران نیز صادق است و مختص به رسول اکرم (ص) نیست. خطاب به حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: ^{۸۲} «و تو از آنها مزدی نمی‌طلبی و این جز تذکری برای جهانیان نیست».

از مواردی که در فقه، حقوق مالکیت برای آن وضع شده ولی مال محسوب نمی‌شود بضع زن است که در مالکیت مرد است. بضع به ورثه منتقل نمی‌شود و قابل عاریه دادن و اجاره فروش نیست. ^{۸۳} با جاری شدن عقد ازدواج، مرد مالک حق انتفاع از بضع همسر خویش می‌گردد و مهریه در حقیقت عوض حق انتفاع از بضع زن است. مهر قرار دادن بضع زن در جاهلیت

^{۷۴} - آیه ۷۲، سوره یونس. «فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أَمْرٌ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

^{۷۵} - سوره فرقان، آیه ۵۲. «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ سَبِيلًا».

^{۷۶} - آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰؛ سوره شعرا، این فرمایش را تکرار می‌نمایند. قسمت اول این آیه در آیه ۸۶ سوره ص نیز نازل شده است. «وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ».

^{۷۷} - سوره سبأ، آیه ۴۷. «قُلْ مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ».

^{۷۸} - آیه ۹۰، سوره انعام. «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ».

^{۷۹} - آیه ۵۱، سوره هود. «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ».

^{۸۰} - آیه ۲۳، سوره شوری. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

^{۸۱} - آیه ۲۹، سوره هود. «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ».

^{۸۲} - آیه ۱۰۴، سوره یوسف. «وَ مَا سَأَلْتُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».

^{۸۳} - ابومنصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی معروف به علامه حلّی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضوية، ج ۲، ص ۱۹۲.

شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبد‌العالی کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، نشر آل بیت، قم، ۱۳۱۴ قمری، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

مرسوم بوده و حتی نکاح شغار هم انجام می‌شده که اسلام آن را ممنوع نموده است. در نکاح شغار بضع زنی را مهر دیگری قرار می‌دادند و به عبارتی دو زن را برای دو مرد تزویج می‌نمودند و بضع هر کدام مهر دیگری بود.^{۸۴}

آیت‌الله خمینی در مبحث مسائل مستحدثه می‌نویسد:^{۸۵} «آنچه که معروف به حق طبع نزد افراد است حق شرعی به شمار نمی‌آید و زایل نمودن سلطه مردم بر اموالشان بدون اینکه شرط و عقدی در بین باشد جایز نیست و مجرد نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است» حقی به وجود نمی‌آورد و التزام دیگران را به دنبال ندارد. پس افراد می‌توانند آن را چاپ و تقلید نمایند و کسی نمی‌تواند آنها را از این کار منع کند. و نیز آنچه که معروف است به «ثبت اختراع» برای مخترعش و منع دیگران از تقلید او و تکثیر نمودن آن اختراع هیچ اثر شرعی ندارد و نمی‌توان افراد را از تقلید نمودن آن اختراع و تجارت و کسب کردن با آن منع کرد و هیچ کس حق ندارد دیگری را از سلطنت در اموال خودش منع کند. و نیز آنچه که معروف است از «انحصاری بودن تجارت یک شیء یا اشیاء» برای موسسه‌ای یا تعدادی از تجار یا مانند این‌ها هیچ اثر شرعی ندارد و بازداشتن دیگران از تجارت و صنعت حلال و محصور دانستن در حق چند نفر جایز نمی‌باشد. و نیز قیمت‌گذاری بر اجناس و بازداشتن مالککش از بیش‌تر فروختن جایز نیست البته برای امام و والی مسلمین این حق است که چنانچه صلاح می‌داند در امور مسلمین از قیمت‌گذاری بر جنس و صنعت و انحصار تجارت یا غیر آن و هر آنچه را که برای نظم و صلاح جامعه مفید است انجام دهد».

مطهری در مورد مالکیت‌های صنعتی به ویژه اختراعات می‌نویسد:^{۸۶} «ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول آن را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه دانست بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاص است که موجبات آن اقتضا می‌کند در آن موارد مالکیت اشتراکی و اجتماعی باشد نه فردی. ... بنا بر این نظریه حق مخترع همان پاداش است نه مالکیت اختراع مثل سایر اموال. دلیلش نیز این است که آن چیز را فرد به وجود نیاورده است، طبیعت به وجود آورده یا اجتماع به وجود آورده و هیچ‌یک از این دو نیز به خاطر یک شخص معین هم به وجود نیاورده‌اند یعنی فرد نه با آن چیز رابطه فاعلی دارد نه رابطه غایی».

آیت‌الله روحانی می‌نویسد:^{۸۷} «مالکیت حقوقی عبارت است از احاطه و سلطنت کسی بر چیزی که این قسم امری است که عقلاً آن را برحسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعتبار کرده‌اند. لذا هر کس هر چیزی را تالیف می‌کند چون نتیجه کار فکری اوست مالک و صاحب آن می‌شود. البته ملکیت او مطلق نیست و دلیل بر حرمت امتناع و تصرفات فکری وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مولف است که در این صورت مولف می‌تواند مطالبه حق

^{۸۴} - محمد بن عبدالباقی الزرقانی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، دارالکتب علمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۷ قمری. ج ۳، ص ۱۴۳.

شرح اللعمه الدمشقیة (شهید اول) محمدابن مکی، کتابفروشی وجدانی، قم، ۱۳۷۳ ج ۲، ص ۸۵.

یوسف بن احمد بحرانی، حقائق الناصره فی احکام العتره الطاهره، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ج ۶، ص ۱۵۰.

^{۸۵} روح الله موسوی خمینی (۱۳۷۵) تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم، چاپ سوم.

^{۸۶} مرتضی مطهری (۱۳۷۰) نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدرا. صص ۵۹-۵۸. و ص ۱۴۶.

^{۸۷} محمد صادق روحانی (۱۴۱۴ ق) المسائل المستحدثه، قم، دارالکتاب. ص ۲۲۵.

نماید.»

در مجموع باید گفت اظهار نظرات و فتاویی^{۸۸} که در این باب اظهار شده استدلالات ضعیف دارند. و ایراد شده که اماره مالکیت اثر با درج عباراتی نظیر «حقوق اثر محفوظ است» یا «حق چاپ محفوظ است» از آن سو محترم است که شرع، عرف جامعه را محترم می‌داند. مضافاً برخی اشکال می‌کنند که قبول استدلال بنای عقل در باب حقوق مالکیت فکری در صورتی قابل قبول است که عرف و سیره عقلا به امضای شارع رسیده باشد تا مصداق کلمه حکم به العقل، حکم به الشرع داشته باشد از طرفی کبرای منطقی اخیرالذکر وقتی است که صغرای آن مبتنی بر عقول کامله باشد، نه عقل مادرزاد.

مالکیت فکری و حقوق بین الملل

سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) طبق کنوانسیون استکهلم (۱۹۶۷) براساس دو کنوانسیون برن و پاریس بوجود آمد. این سازمان در ارتباط با مالکیت فکری جهت هماهنگی در وضع قوانین و رویه‌های ملی و درخواست‌های بین‌المللی در راستای حقوق مالکیت صنعتی، تبادل اطلاعات، کمک‌های فنی و حقوقی، حل منازعات، سازمان‌دهی تکنولوژی اطلاعات فعالیت می‌کند. پس از پایان دور مذاکرات چندجانبه^{۸۹} (GATT) اروگوئه و تأسیس سازمان تجارت جهانی^{۹۰} (WTO) در ۱۹۹۴ این سازمان موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری معروف به TRIPS^{۹۱} را در سال ۱۹۹۵ تصویب کرد. این موافقت‌نامه که رجحان و امتیاز اساسی به کشورهای توسعه یافته صنعتی می‌دهد یکی از اجزاء اصلی سند نهایی مذاکرات دور اروگوئه و یکی از سه رکن اصلی موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت (شامل موافقت‌نامه‌های تجارت کالا، خدمات و مالکیت فکری) است. در اصل هدف اصلی این موافقت‌نامه ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری بود که با توجه به موقعیت برتر کشورهای صنعتی در این زمینه ابزاری برای سلطه مالی این کشورها گردید.^{۹۲} از مهمترین ویژگیهای موافقت‌نامه TRIPS می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:^{۹۳}

۱- از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چپ‌ها^{۹۴} و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.

^{۸۸} جعفر سبحانی (۱۳۷۱) فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳. صص ۲۱۱-۲۱۰.

^{۸۹} General Agreement on Tariffs and Trade.

^{۹۰} World Trade Organization

^{۹۱} The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights.

^{۹۲} Daniel Cohen (2006). Globalization and its enemies. MIT Press.

^{۹۳} نگاه کنید به:

بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰) مبانی عرفانی تجارت بین‌الملل در اسلام، بررسی موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی از دیدگاه حکمت.

<http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-trade.pdf>

بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور).

<http://www.bidabad.com/doc/wto-iran-ketab.pdf>

بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) جهانی سازی و سازمان تجارت جهانی. <http://www.bidabad.com/doc/globalization-wto.pdf>

بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی. <http://www.bidabad.com/doc/wto-agreements.pdf>

^{۹۴} Integrated Circuits

۲- ضمن تعیین استانداردهای حداقل به برخی از کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.

۳- با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمینی و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.

۴- در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد.

مقررات مربوط به حمایت از حق اختراعات، یکی از مهمترین جنبه‌های این موافقتنامه می‌باشد. طبق ماده ۲۷ موافقتنامه، تمامی اختراعات اعم از تولیدات یا مراحل پردازش در کلیه زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض برحسب مکان اختراع و اینکه محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرند. طبق این ماده هرگونه برخورد متفاوت با اختراعات براساس مکانی که اختراع در آنجا صورت گرفته غیرمجاز می‌باشد. البته این حمایت‌ها شامل اختراعاتی نمی‌گردد که بهره‌برداری تجاری از آنها به دلیل نظم عمومی و اخلاقی ممنوع شده باشد. اختراعاتی که برای زندگی انسان، حیوان و نبات و نیز محیط زیست مضر باشند مشمول حمایت قرار ندارند.

در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه، در موافقتنامه تصریح شده که اعضاء باید مقررات اساسی کنوانسیون برن را (تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۱) در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری بپذیرند. در این موافقتنامه، کپی رایت به برنامه‌های کامپیوتری نیز تعمیم داده شده و مقرر گردیده که این برنامه‌ها همچون آثار ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرند. یکی دیگر از جنبه‌های این موافقتنامه که به قواعد موجود بین‌المللی در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه اضافه شده است، مقررات مربوط به حقوق اجاره صاحبان برنامه‌های کامپیوتری و ضبط موسیقی است. طبق این مقررات افراد مجازند که از اجاره آثار خود به عموم جلوگیری بعمل آورند. این اختیار به آثار سینمایی نیز تعلق می‌گیرد. علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و دیگر اطلاعات افشاء نشده و طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه نیز از دیگر جنبه‌های مالکیت فکری است که در موافقتنامه مزبور مقررات خاصی برای حمایت بین‌المللی از صاحبان آنها وضع گردیده است.

یکی از جنبه‌های مهم این موافقتنامه، پیش‌بینی مکانیسمی برای برخورد با کشورهایی است که به تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت فکری عمل نمی‌نمایند. کشورهای پیشرفته بخاطر فقدان مکانیسم‌های اجرایی موثر در چارچوب کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت فکری، تلاش کردند تا ضمانت‌های اجرایی لازم را در چارچوب گات در این موافقتنامه بگنجانند. طبق مواد متعدد این موافقتنامه (۲۰ ماده) - که در آنها نحوه حل و فصل دعاوی و ضمانت‌های اجرایی لازم مقرر گردیده - در صورتی که یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت اظهار دارد که عضو دیگر تعهدات خود را در چارچوب موافقتنامه نقض کرده، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارجاع می‌گردد و در صورت

اثبات نقض تعهدات، شورای عمومی سازمان جهانی تجارت می‌تواند مجازات‌هایی را بر علیه کشور خاطی (که می‌تواند به متوقف کردن تجارت کالای تقلبی یا حتی نابودی آن در مرزها بیانجامد) اعمال نماید.

بطور کلی از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش اطلاعات بکار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد. قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی شده در موافقتنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، بیشترین منافع را برای این کشورها بدنبال دارد. در مقابل کشورهای در حال توسعه که عموماً از این مزیت برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع^{۹۵} بیشتری به خارجیان پردازند، برای محصولاتی که تحت لیسانس‌ها و مجوزها^{۹۶} ساخته می‌شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند. علاوه بر این اجرای تعهدات مترتب در موافقتنامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه‌های قضایی، اداری و اجرایی در این کشورها خواهد بود که ضرورتاً منابع انسانی و مادی قابل توجهی باید بدین منظور تخصیص یابد. از منافع بلند مدت این موافقتنامه برای ممالک در حال توسعه، ضرورتی است که این کشورها را نیز مجبور می‌سازد تا ضمن تقویت پایه‌های علمی و تخصیص منابع قابل توجه به امر تحقیق و توسعه، مزیت‌های رقابتی خود را در تجارت بین‌الملل عمدتاً به حیطه‌هایی سوق دهند که اساس آنها را دانش و تکنولوژی تشکیل می‌دهد. لذا باید اذعان داشت که این موافقتنامه از جمله موارد مشخصی است که در آن منافع کشورهای توسعه‌یافته حفظ می‌شود و در مقابل منافع کشورهای در حال توسعه از این بابت در انتقال دانش و علم و تکنولوژی محدود می‌گردد. تحت حمایت‌های این موافقتنامه باید گفت بطور کلی دارایی‌های ناملموس شرکت‌های متعلق به کشورهای صنعتی بطور میانگین از ۳۸٪ در سال ۱۹۸۲ به ۹۰٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. در این ارتباط بطور مثال می‌توان به دارایی‌های فکری شرکت مایکروسافت اشاره کرد که ۹۷٪ از ارزش کل دارایی‌های آن شرکت می‌باشد و فقط ۳٪ از دارایی‌ها آن به ساختمان و تجهیزات و غیره مربوط است. درآمد این شرکت در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۹۳ میلیارد دلار و کل دارایی‌های شرکت که اعم آن دارایی‌های فکری است در همان سال بالغ بر ۱۸۳ میلیارد دلار بوده است.^{۹۷} همین دو رقم برای شرکت مادر گوگل و گوگل ۷۵ میلیارد دلار درآمد و ۱۴۷ میلیارد دلار دارایی در سال مالی ۲۰۱۵ بوده است.^{۹۸}

^{۹۵} Royalty

^{۹۶} Loyalty

^{۹۷} Microsoft Annual Report 2015. <https://www.microsoft.com/investor/reports/ar15/index.html>

^{۹۸} United States Securities and Exchange Commission, Washington, D.C. The consolidated statements of income data of Alphabet Inc. and Google Inc. <http://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1288776/000165204416000012/goog10-k2015.htm>

منابع

- ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ قمری.
- افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۶) حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران.
- ابوداود، سنن ابوداود.
- ابومنصور جمال‌الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلی معروف به علامه حلی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضوية.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد () غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتب اسلامی، قم.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی.
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) جهانی سازی و سازمان تجارت جهانی. <http://www.bidabad.com/doc/globalization-wto.pdf>
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور). <http://www.bidabad.com/doc/wto-iran-ketab.pdf>
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۷) موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی. <http://www.bidabad.com/doc/wto-agreements.pdf>
- بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰) مبانی عرفانی تجارت بین‌الملل در اسلام، بررسی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی از دیدگاه حکمت. <http://www.bidabad.com/doc/mabani-erfani-trade.pdf>
- ترمذی، سنن ترمذی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰) التعریفات جرجانی. انتشارات ناصر خسرو، تهران.
- جرجانی، شریف (۱۳۶۰) ترجمان القرآن: فرهنگ عربی فارسی، ترتیب داده عادل بن علی بن عادل الحافظ. نشر بنیاد قرآن، تهران.
- جعفر سبحانی (۱۳۷۱) فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، گنج دانش.
- حسینی حائری، کاظم (۱۴۲۳ق) فقه العقود، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۷) مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خاوندکار، جلیل، احسان خاوندکار، افشین متقی (۱۳۸۸). سرمایه فکری، مدیریت، توسعه و مدل‌های سنجش. مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- راغب اصفهانی ()، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات دارالفکر بیروت، لبنان.
- روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۷۵) تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸) درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۳ زمستان، صص ۳۵-۷.
- زوزنی، ابو عبدالله حسین بن احمد (۱۳۰۱) المصادر زوزنی، چاپ هندوستان.

- ساکت، محمد حسین (۱۳۸۵) حقوق مالکیت فکری، تاریخچه و مبانی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۰ و ۵۱.
- شرتونی لبنانی، سعید خوری (۱۹۱۲م) اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، نشر اسوه، تهران.
- شرح اللعمه دمشقیه (شهید اول) محمدابن مکی، کتابفروشی وجدانی، قم، ۱۳۷۳.
- شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبد العالی کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، نشر آل بیت قم، ۱۳۱۴ قمری.
- صفایی، حسین (۱۳۷۰) حقوق مدنی تطبیقی، نشر میزان، تهران.
- صفایی، حسین (۱۳۷۵). مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان.
- صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم عبد الکریم (۱۳۹۳)، منتهی الارب فی لغه العرب، ترجمه: محمدحسن فوادیان، علیرضا حاجیان‌نژاد، چاپ دانشگاه تهران.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰ق) العروه الوثقی، موسسه نشر الاسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان. ترجمه فارسی انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار الاسوه، تهران، ۱۴۱۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اسلامیة تهران، ۱۳۹۰ ق.
- علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (۱۳۸۹ق) کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال، مکتبه التراث الإسلامی.
- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ مؤسسه دهخدا.
- فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۶ق) التفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی.
- کاتوزیان ناصر (۱۳۸۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). مقدمه علم حقوق، چاپ ۲۷، انتشارات دانشگاه تهران.
- گرجی، ابو القاسم (۱۳۷۱) حقوق معنوی و حکم آن. خبرنامه انفورماتیک، سال ۷ ش ۳ و ۴ شهریور و آبان.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی () ملا محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی. <http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/11145>
- محمد بن عبدالباقی الزرقانی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه، دارالکتب علمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۸۸)، فروع کافی، نشر قدس، قم.
- محمد صادق روحانی (۱۴۱۴ ق) المسائل المستحدثه، قم، دارالکتاب.
- مرتضی مطهری (۱۳۷۰) نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدرا.
- مقرئ بیهقی، احمد بن علی تاج المصادر بیهقی (۱۳۶۶) مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- میزان الحکمه، (۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش) دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- نفیسی، میرزا علی اکبرخان ناظم الاطباء (۱۳۱۷ش). فرهنگ نفیسی، شرکت سهامی چاپ رنگین، تهران.

- ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹) مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام. ترجمه محمدرضا عطایی، چاپ آستان قدس رضوی، مشهد.
- یوسف بن احمد بحرانی، حدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، دفتر انتشارات اسلامی، تهران.
- Ahmad, Syed (1991). Capital in Economic Theory: Neoclassical, Cambridge and Chaos. Edward Elgar Publications.
- Bourdieu, Pierre (1986). The Forms of Capital, in Richardson, John G., ed., Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, New York, Greenwood.
- Butler, Cornelia (2005). Community Capitals, North Central Regional Center for Rural Development, Iowa State University.
- Cohen, Daniel (2006). Globalization and its enemies. MIT Press.
- Fisher, Irving (1906). The Nature of Capital and Income. Macmillan.
- Flora, Alice (2005). Cultural Capital and Other Capital, Nuffield College Oxford.
- Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2009). The Role of Social Capital in Financial Development. <http://www.faculty.chicagobooth.edu/finance/Papers/trust.pdf>.
- Harker, R. (1990). Education and Cultural Capital. In Harker, R., Mahar, C., Wilkes, C. (Eds.). An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory. Macmillan Press, London.
- Hayek, F. A. von (1941). The Pure Theory of Capital. The Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama 2009.
- Kuznets, Simon, Smith (1961). Capital in the American Economy: Its Formation and Financing. Princeton University Press.
- Microsoft Annual Report (2015). <https://www.microsoft.com/investor/reports/ar15/index.html>
- Robinson, Jones (1985). Accumulation of Capital. Palgrave MacMillan, United Kingdom, 2013.
- Tymon, Alfered, Stump, Joe (2003). Cultural Capital, Journal of Cultural Economics, Springer Netherlands, Vol. 23, No. 1-2.
- United States Securities and Exchange Commission (2015). Washington, D.C. The consolidated statements of income data of Alphabet Inc. and Google Inc. <http://www.sec.gov/Archives/edgar/data/1288776/000165204416000012/goog10-k2015.htm>
- Wogget, Gabriele (1993). Social Capital, Rural Sociology, No: 63.